



نام درس: قواعد فقه ۲

رشته تحصیلی: گرایش: حقوق

کد درس: ۳۰۱۶۰۶

تعداد سؤالات: نسی ۳۰ تکمیلی

زمان امتحان: نسی و تکمیلی ۶۰ دقیقه

تعداد کل صفحات: ۵

اداره آزمون و ارزشیابی

۱. مفاد قاعده قبح عقاب بلا بیان چرا وسیع تر از قلمرو اصل قانونی بودن مجازاتها است؟
 - الف. قاعده قبح، بیان واصل است و اصل قانونی بوده بیان صادر است.
 - ب. قاعده قبح بیان صادر و اصل قانونی بودن بیان واصل است.
 - ج. چون به قبح عقاب می پردازد نه قبح مجازات ها.
 - د. هر دو بیان صادر هستند اما عده قبح، قلمرو فقهی و حقوقی دارد.
۲. درباره اموری که حکمی برای آن وارد نشده، پس از تشریع، نظر مشهور فقهای امامیه چیست؟
 - الف. اصل اباحه جاری است.
 - ب. اصل حظر جاری است.
 - ج. اصل احتیاط جاری است.
 - د. اصل برائت جاری است.
۳. مجاری قاعده قبح عقاب بلا بیان کدامند؟
 - الف. اصل حظر، اصل برائت، جهل به موضوع
 - ب. اصل اباحه، اصل برائت، جهل به موضوع
 - ج. اباحه و حظر، اصل برائت، جهل به حکم
 - د. حظر، اصل برائت، جهل به حکم
۴. علم به احکام شرعی
 - الف. شرط تطبیق و تنجز تکلیف است.
 - ب. شرط فعلیت و تنجز تکلیف است.
 - ج. شرط فعلیت تکلیف است.
 - د. شرط تنجز تکلیف است.
۵. در تعارض استصحاب (عدم علم به قانون) با اماره (ظاهر اوضاع نشان می دهد شخص علم به قانون دارد) کدامیک مقدم است و چرا؟
 - الف. استصحاب، زیرا اصل عدم علم یا جهل به قانون است.
 - ب. اماره، زیرا اماره قضایی بر استصحاب حاکم است.
 - ج. استصحاب، زیرا اصل عدم جهل به قانون بر اماره حاکم است.
 - د. اماره، زیرا اماره قضایی بر استصحاب وارد است.
۶. حدود اصل قانونی بودن جرم و مجازات را بیان کنید؟
 - الف. اصل بر قانونی بودن جرم و مجازات است.
 - ب. اصل بر قانونی بودن جرم است و مراحل دیگر از شمول آن خارج است.
 - ج. اصل بر قانونی بودن تحقیق، تعقیب، محاکمه و اجرای حکم است.
 - د. اصل بر قانونی بودن جرم و مجازات است که شامل تحقیق، تعقیب، محاکمه و اجرای حکم هم می شود.
۷. حدیث مسند از نظر فن حدیث بر چند قسم است؟
 - الف. خبر صحیح، موثق، مرسل، ضعیف
 - ب. خبر موثق، مرسل، حسن، ضعیف
 - ج. خبر مرسل، صحیح، حسن، موثق
 - د. خبر صحیح، موثق، ضعیف، حسن
۸. از نظر مطابقت مفاد قاعده قبح عقاب بلا بیان با اصول عقلی کدام گزینه درست است؟
 - الف. احراز موضوع، شرط تنجز تکلیف است.
 - ب. احراز موضوع، شرط فعلیت و تنجز تکلیف است.
 - ج. احراز موضوع، شرط فعلیت تکلیف است.
 - د. احراز موضوع، شرط قطعیت تکلیف است.



۹. در قاعده درء چه زمان « شبهه » صادق است؟ زمانی شبهه صادق است که

الف. شخص معتقد به حلیت عمل باشد.

ب. شخص حجت شرعی داشته باشد و معتقد به حلیت باشد.

ج. جهل شخص ناشی از حجت شرعی باشد.

د. شخص معتقد به حلیت باشد یا جهل او ناشی از حجت شرعی باشد

۱۰. با عنایت به فهم عرفی، مقصود از شبهه

الف. فقط شامل شک در حلیت و حرمت است.

ب. شامل شک در حلیت و حرمت، ظن به اباحه و قطع به حلیت می شود.

ج. فقط شامل شک در حلیت و حرمت و ظن به اباحه است.

د. شامل شک در حلیت و حرمت و قطع به حلیت می شود.

۱۱. منظور از شبهه موضوعیه چیست؟ آنستکه شخص

الف. حکم کلی چیزی، برایش مورد تردید باشد بدلیل فقدان نص معتبر

ب. حکم کلی چیزی، برایش مورد تردید است.

ج. حرمت عمل را می داند اما جهل به موضوع حکم دارد بدلیل اجمال نص.

د. حرمت عمل را می داند اما جهل به موضوع حکم دارد.

۱۲. آیا قاعده درء شامل شبهه موضوعیه و حکمیه هر دو می شود؟ به چه دلیل؟

الف. فقط شامل شبهه حکمیه است، بدلیل اصالة الحذر

ب. شامل هر دو می شود به دلیل الف و لام « الشبهات » که مفید عموم است.

ج. فقط شامل شبهه موضوعیه است، بدلیل اصل برائت و معذور بودن جاهل.

د. شامل هر دو می شود به دلیل « الشبهات » که مفید اطلاق است.

۱۳. آیا قاعده درء شامل شبهه عمد و شبهه اکراه می شود؟

الف. فقط شامل شبهه عمد می شود، اما اکراه رافع مسئولیت نیست.

ب. شامل شبهه عمد نمی شود، اما اکراه رافع مسئولیت است.

ج. هر دو را شامل است به دلیل عمومیت قاعده

د. هیچکدام را شامل نمی شود به دلیل خروج از مفاد قاعده

۱۴. حکم مکلف هنگام جهل به موضوع و جهل به حکم بر اساس قاعده درء، چیست؟

الف. در جهل به موضوع (مطلقاً معاف) در جهل به حکم (در جهل قصوری معاف در جهل تقصیری مسئول)

ب. در جهل به موضوع (معاف) در جهل به حکم (مطلقاً معاف نیست)

ج. در هر دو صورت مطلقاً معاف است به دلیل قاعده درء.

د. فقط در جهل به حکم معاف است.

۱۵. ملاک در عروض شبهه چیست؟

الف. حصول شبهه نزد قاضی

ب. حصول شبهه نزد متهم یا قاضی نه هر دو

ج. حصول شبهه نزد متهم و قاضی

د. حصول شبهه نزد متهم یا قاضی یا هر دو



نام درس: قواعد فقه ۲

رشته تحصیلی: گرایش: حقوق

کد درس: ۳۰۱۶۰۶

تعداد سؤال: فقهی ۳۰ تکمیلی ۱۰ تشریحی ۱۰

زمان امتحان: تستی و تکمیلی ۶۰ دقیقه تشریحی ۶۰ دقیقه

تعداد کل صفحات: ۵

۱۶. آیا قاعده درء «الحدود تدء» شامل قصاص هم می شود؟ چرا؟

الف. شامل می شود، چون در قصاص پای جان و نقص عضو در کار است که حاکم باید دقت کند.

ب. شامل نمی شود، چون قصاص از حقوق الناس است.

ج. شامل می شود، چون قصاص از حقوق الله است.

د. شامل نمی شود، چون مبنای قصاص بر مذاقه است.

۱۷. به عنوان فرق اضطرار با اکراه کدام گزینه صحیح است؟

الف. انگیزه در اضطرار (رفع خطر) ولی در اکراه (رفع ضرورت است)

ب. در اضطرار (رضا سلب می شود) در اکراه (قصد سلب می شود).

ج. منشأ خطر در اضطرار (اغلب طبیعی) و در اکراه (همیشه یک فرد انسانی است).

د. انگیزه در اضطرار (دفع خسارت) و در اکراه (رفع خسارت و ضرر است).

۱۸. اکراه ملجئ چیست؟ شخص در آن تهدید به می شود.

الف. تلف نفس یا قطع عضو یا حبس طولانی.

ب. تلف نفس یا قطع عضو یا نقص عضو یا حبس طولانی

ج. تلف نفس یا قطع عضو یا نقص عضو

د. تلف نفس یا قطع عضو یا نقص عضو یا حبس طولانی یا آتش زدن مالی

۱۹. تفاوت اکراه ملجئ با اکراه غیر ملجئ در چیست؟

الف. اکراه ملجئ (سبب رفع مسئولیت کیفری) اکراه غیر ملجئ (سبب رفع مسئولیت مدنی)

ب. هر دو سبب رفع مسئولیت کیفری هستند.

ج. هر دو سبب رفع مسئولیت مدنی هستند و اکراه ملجئ.

د. اکراه ناقص تنها در تصرفات حقوقی اثر دارد اما اکراه تام در تمام اقدامات حقوقی و کیفری.

۲۰. آیا در تحقق اکراه شرط است مکره یا همکاری نزد مکره حاضر باشند؟

الف. خیر، با اقدام مکره در غیاب اکراه کننده نیز تا خوف باقی است اکراه محقق است.

ب. بلیه، اقدام مکره در غیاب اکراه کننده اکراه محسوب نمی شود.

ج. خیر، حضور مکره یا همکاری لازم نیست.

د. بلیه، اقدام مکره تا اکراه حضوری باشد محقق است.

۲۱. آیا قاعده اضطرار تدای به حرام را فرامی گیرد یا خیر؟ تداوم به حرام

الف. جز در صورت ضرورت شی محرم جایز نیست.

ب. اختلافی است، گروهی آن را جایز ندانسته و گروهی جایز دانسته اند.

ج. در هیچ صورت جایز نیست چون حرام است.

د. فقط در صورت نیاز جایز است.

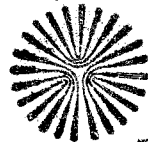
۲۲. مسئولیت دولت در جبران خسارت ناشی از خطای قاضی

الف. از فروع قاعده وزر است.

ب. از استثنای قاعده درء است.

ج. از استثنای قاعده وزر است.

د. از فروع مسئولیت دولت در قبال خطای قضات است.



نام درس: قواعد فقه ۲

رشته تحصیلی: گرایش: حقوق

کلاس: ۳۰۱۶۰۶

تعداد سؤالات: نسی ۳۰ تکمیلی

زمان امتحان: نسی و تکمیلی ۶۰ دقیقه

تعداد کل صفحات: ۵

۲۳. بنا بر تعریف شیخ انصاری از اعانت در اثم، «اعانت» عبارتست از:

- الف. انجام برخی از مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام
- ب. هر گونه فعلی که دیگری را در تحقق هدف مورد نظرش قادر سازد.
- ج. ایجاد همه مقدمات حرامی که دیگری انجام می‌دهد یا بعض مقدمات حرام
- د. ایجاد بعض مقدمات حرامی که دیگری انجام می‌دهد.

۲۴. معیار گناهان کبیره چیست؟

- الف. ورود نص بر کبیره بودن، عقوبت نار جهنم، اشتد از کبیره بودن
- ب. ظهور روایت بر کبیره بودن، عقوبت نار جهنم
- ج. ظهور آیات بر کبیره بودن، ظهور روایات بر کبیره بودن، عقوبت نار جهنم
- د. شرک به خدا بودن یا یأس از رحمت خدا و حق الناس را خوردن

۲۵. آیا خودکشی از مصادیق معاونت بر اثم است؟

- الف. نه، زیرا شخص بر امر حرامی (قتل نفس) کمک می‌کند.
- ب. خیر، گناه مستقل است چون معاونت بر آن صادق نیست.
- ج. خیر، یا گناه مستقل است یا از مصادیق قتل نفس محرم است.
- د. خیر، از مصادیق قتل نفس است که حرام می‌باشد.

۲۶. فرق حد با تعزیر از نظر موضوع چیست؟

- الف. موضوع هر حدی و نوع جرم و شرایط آن کاملاً مشخص شده و در اختیار حاکم نیست بر خلاف تعزیر.
- ب. حد از نظر نوع جرم، شرایط جرم و مجازات بدست حاکم تعیین می‌شود بر خلاف تعزیر.
- ج. در هر دو نوع جرم و مجازات آن مشخص است.
- د. مجازاتی که مجازاتش مشخص باشد « حد »، مشخص نباشد « تعزیر » است.

۲۷. تعزیرات است و حداقل و اکثر با نظر قوه (به ترتیب)

- الف. قابل پیش بینی ندارد مقننه (با نظر ولی امر)
- ب. غیر قابل پیش بینی دارد قضائیه (با نظر ولی امر)
- ج. غیر قابل پیش بینی ندارد قضائیه (با نظر ولی امر)
- د. قابل پیش بینی دارد مقننه (با نظر ولی امر)

۲۸. معیار و ملاک مجازات تعزیری چیست؟

- الف. طبق قاعده « التعزیر لکل عمل محرم »، منحصر در محرمات الهی است.
- ب. منحصر در عملهایی است که برای آن مجازات اخروی تعیین شده است.
- ج. در همه مواردی که شارع حرام اعلام نموده، تعزیر جاری می‌شود.
- د. در اعمال مفسده زا جاری است خواه عمل شرعاً حرام باشد یا حرمتی درباره آن نرسیده باشد.

نام درس: قواعد فقه ۲

تعداد سوال: نسی ۳۰ تکمیلی

نشریحی

رشته تحصیلی: گرایش: حقوق

زمان امتحان: نسی و تکمیلی ۶۰

نقشه

نقشه

نشریحی

کد درس: ۳۰۱۶۰۶

تعداد کل صفحات: ۵

۲۹. اجرای تعزیر و بطور کلی مجازات از مسئولیت‌های
 الف. قاضی مسلمین است که بر پرونده‌ها رسیدگی می‌کند.
 ب. ولایت و رهبری به معنای مدیریت جامعه اسلامی است.
 ج. قاضی مسلمین است به حکم اولی و در موارد خاصی رهبری جامعه اسلامی.
 د. ولایت و رهبری است مگر در موارد خاصی توسط قاضی
 ۳۰. ملاک عقوبت‌های اسلامی چیست؟ مجازات اسلامی اساساً به منظور
 الف. تطهیر مجرم و جامعه از آلودگی است که بدان باز دارندگی از جرم می‌گویند.
 ب. تطهیر مجرم و جامعه از آلودگی و نگهداری بزهکار و دیگران از ارتکاب مجدد جرم است.
 ج. تطهیر مجرم و جامعه، ارباب جامعه و بازدارندگی از ارتکاب جرم.
 د. تطهیر مجرم و نگهداری جامعه از شر بزهکاران.